

Islamic Knowledge and Insight

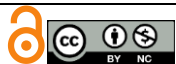
Religious Endowment Institution during the Pahlavi Era in Tabriz Based on Archival Documents

1. Jhaleh Bahmani: Department of History, Shab.C., Islamic Azad University, Shabestar, Iran
2. Nazli Eskandari Nejad*: Department of History, Shab.C., Islamic Azad University, Shabestar, Iran. (Email: 1378072626@iau.ir)
3. Mehdi Aghapoor: Department of History, Shab.C., Islamic Azad University, Shabestar, Iran
4. Ahad Ebadi: Department of History, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Abstract

The institution of waqf (Islamic religious endowment) is one of Iran's longstanding institutions with wide-ranging economic, religious, and social dimensions. In situations where the political environment does not allow for economic activity, the tendency toward charitable affairs tends to increase. Based on the available documents, waqf witnessed a significant increase during the reign of Reza Shah. The objective of this article, employing a descriptive-analytical method, is to address the following questions: What were the reasons behind the expansion of waqf in Tabriz during Reza Shah's era? What functions did endowed properties serve? The findings of the study indicate that prominent landowners turned to waqf as a strategy to protect their estates from potential royal seizure, often motivated by personal interests and in old age, aiming to evade taxation or to display religious piety. In the endowment documents, subjects such as the guardianship of orphans and public-benefit projects—such as the construction of schools, libraries, and workshops for the needy—are rarely observed. The majority of endowment intentions were primarily focused on fulfilling the religious obligations of the donors, often driven more by custom and habit than by a genuine concern for public welfare.

Keywords: *Tabriz, waqf, Reza Shah, public-benefit, donors*



How to cite: Bahmani, J., Eskandari Nejad, N., Aghapoor, M., & Ebadi, A. (2025). Religious Endowment Institution during the Pahlavi Era in Tabriz Based on Archival Documents. *Islamic Knowledge and Insight*, 3(3), 1-15.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 05 March 2025

Revise Date: 01 June 2025

Accept Date: 10 June 2025

Publish Date: 19 August 2025

معرفت و بصیرت اسلامی

نهاد مذهبی وقف دردوره پهلوی در شهر تبریز با تکیه بر اسناد

۱. ژاله بهمنی: گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران
۲. نازلی اسکندری نژاد*: گروه تاریخ، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران. (پست الکترونیک: 1378072626@iau.ir)
۳. مهدی آقاپور: گروه معارف اسلامی، پیام نور، دانشگاه پیام نور، تبریز، ایران
۴. احد عبادی: گروه تاریخ، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

چکیده

نهاد وقف از نهادهای با سابقه ایران با ابعاد وسیع اقتصادی، مذهبی و اجتماعی است. زمانی که فضای سیاسی برای فعالان اقتصادی موجود نباشد، گرایش به امور خیریه افزایش می‌یابد. بر اساس اسناد موجود وقف در دوره رضاشاه افزایش چشمگیری یافت. هدف این مقاله با روش توصیفی تحلیلی پاسخ به این سوالات است: دلایل گسترش وقف در تبریز دوره رضاشاه چه بوده؟ امور وقفی چه کارکردی داشتند؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد اندیشه ملاکان بزرگ از امور وقف نجات املاک خود از تعرض احتمالی شاه و با انگیزه شخصی و در ایام پیری به قصد فرار از مالیات، تظاهر به تشرع اقدام به وقف نموده‌اند. در اسناد وقفی با موضوع سرپرستی ایتام، کارهای عام المنفعه نظیر ساخت مدرسه، کتابخانه، کارگاه برای نیازمندان و غیره به ندرت مشاهده می‌شود. بیشترین نیت صرفاً در جهت برآورده سازی فرایض دینی واقفان بیشتر از روی عرف و عادت صورت گرفته است.

کلیدواژگان: تبریز وقف، رضاشاه، عام المنفعه، واقفان

شیوه استناددهی: ژاله، بهمنی، نازلی، اسکندری نژاد، آقاپور، مهدی، و عبادی، احد. (۱۴۰۴). نهاد مذهبی وقف دردوره پهلوی در شهر تبریز با تکیه بر اسناد. معرفت و بصیرت اسلامی، ۳(۳)، ۱-۱۵.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۵ اسفند ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۱ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۰ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۲۸ مرداد ۱۴۰۴

مقدمه

در زبان پهلوی واژه‌های آشوداد، اهلوداد و روانیگان همسو با مفهوم وقف است. وقف به معنای هدیه ابدی برای خدمت عمومی یا نگه داشتن اصل چیزی و جاری بودن منفعت آن در جهت خیر و نیکی و رضای خداست. جمع این واژه اوقاف است. به مال و زمین وقف شده موقوفه گفته می‌شود. وقف از جمله عقود معینی است که در فقه اهل سنت و امامیه از اعتبار خاصی برخوردار است (Mousavi, 1994). وقف به دو معنی عام و خاص بکار رفته است. معنی عام وقف کاربرد مال در جهات عمومی است. مانند: وقف بر مساجد و پل‌ها و قنوات و مدرسه‌ها یا بر عنوان‌های عامی که مصداق آن غیر محصور است وقف شود، مانند وقف بر فقراء و طلاب و یتیمان و دانشجویان و دانشمندان (Shahabi, 1964). وقف در معنی خاص عبارت از وقف بر اشخاص محصور معین است. مانند: وقف بر اولاد واقف یا فرزندان برادر او یا کارگران کارخانه یا مزرعه معین. این تقسیم بندی از جهات گوناگونی دارای فواید و آثاری است از جمله قبول و قبض موقوفه: در وقف عام با حاکم و متولی است و در وقف خاص با موقوف علیهم است (Mohaqiq, 2002).

در قرآن کریم به صدقه و نیکوکاری تشویق شده اما هیچ آیه‌ای به طور مستقل در بیان وقف و احکام آن دیده نمی‌شود. هر چند در باب احسان و نیکوکاری و ضرورت انفاق، اطعام یتیمان و در راه‌ماندگان و خدمت به بندگان و مخلوقات آیات زیادی نازل شده است که همه دارای معنای عام و گسترده انفاق و وقف می‌باشد. در ماده ۵۵ قانون مدنی آمده است: وقف عبارت است از عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود و این نزدیک به تعریف فقهای امامیه است. وقف، مجموعه‌ای از اموال که به هدف خاص و نیکی اختصاص یافته و به صورت یک نهاد حقوقی برای رسیدن به هدف واقف ایجاد شده باشد. اوقاف، سازمانی که دارای ارکان مدیریت همچون متولی و ناظر است، این شخص اعتباری نه به وقف وابسته است و نه به متولی و نه به موقوف علیهم، بلکه خود یک سازمان حقوقی است که دارای

حساب بانکی مستقل و بودجه خاص و جداگانه است و مدیری به نام متولی آن را اداره می‌کند و دارای وقف‌نامه است (مواد ۵۵-۹۱ قانون مدنی). در مواردی که وقف از جهت انتفاع خارج شده یا بهره‌وری خود را از دست داده؛ اتکاء بر قواعد عسر و حرج بسیار مفید خواهد بود. ماده ۱۴ آیین نامه اجرائی قانون ابطال اسناد فروش موقوفه مصوب ۱۳۷۴/۲/۳ مقرر می‌دارد: در مواردی که جهت مورد نظر واقف تغییر یافته باشد به صورت اصلی بازگردانده می‌شود، مگر اینکه بازگرداندن آن به وضع اول موجب عسر و حرج و قلت درآمد و امثال آن باشد که در این صورت ابقای آن به صورت فعلی با اجازه ولی فقیه یا نماینده ایشان در سازمان اوقاف و امور خیریه بلا اشکال خواهد بود. اندیشه واقفان در تبریز دوره پهلوی مهمترین مسئله این پژوهش است. انقلاب مشروطه تا چه میزان بر اندیشه واقفان در این دوره تاثیر کرده و این امر در کارکرد وقف تا چه میزان تاثیر داشته است؟

مصارف وقف در گذر تاریخ

وقف در ایران به دوران اسلام برمی‌گردد، اما ریشه‌های آن در دوره‌های پیش از اسلام نیز وجود داشت. پس از ورود اسلام وقف به عنوان یک عمل نیکوکارانه در قالب وقف اموال برای اهداف مذهبی، اجتماعی و فرهنگی توسعه یافت. مهم‌ترین نوع وقف در ایران وقف زمین، مساجد، مدارس دینی، کتابخانه‌ها و بیمارستان‌ها بوده است. در طول تاریخ وقف نقش مهمی در تأمین نیازهای عمومی و توسعه فرهنگی و علمی ایفا کرده است (Emam, 2000).

آثار وقفی زیادی مانند وقف کتابخانه‌ها، مسجدها، مدرسه‌ها، بیمارستان‌ها، پرورشگاه‌ها و غیره وجود دارد که به وسیله افراد خیر با اهداف مختلف مذهبی، اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی و غیره بنا شده است. وقف در ایران در اثر نا امنی‌های بوجود آمده از دوره مغول و تیمور افزایش یافت و در دوره شاه طهماسب علما بر مصدر امور وقف قرار گرفتند. در هر دوره با توجه به وضعیت جامعه نوع وقف و کارکرد آن هم متفاوت شد. مانند: وقف املاک کشاورزی،

کارخانه‌های تولیدی، پول نقد وقف مساجد وقف آب و زمین برای عزاداری سید الشهداء وقف برای دفن اموات در کربلا یا قم و غیره وقف برای ایجاد منازل بین راهی در مسیر کربلا برای زائران وقف جهت ساخت مدارس و مراکز بهداشتی و درمانی و غیره. یکی از نکات جالب و شایان توجه در خصوص وقف، تنوع و گستردگی کارکردهای وقف است. در فقه شیعه برای وقف، مصرف خاصی تعریف نشده و برای هر عمل مشروعی وقف صحیح است. لذا بعضی از فقهای شیعه بیان کرده‌اند که حتی وقف برای کافران اهل ذمه نیز صحیح است؛ چرا که ایشان نیز بندگان خدا هستند.

واقفان خیراندیش در طول تاریخ با در نظر داشتن اهمیت و ثواب وقف و توجه به انواع نیازها و اولویت‌های جامعه خود، نحوه مصرف را در وقف‌نامه‌ها درج می‌کردند. تنوع در اهداف وقف نشان می‌دهد که واقفان توجه کامل داشته‌اند تا نیازها، مشکلات و نواقص موجود در جامعه هر چند بسیار کوچک با انجام وقف برطرف شود.

۱. وقف برای مسجد؛ (مسجد جمال آباد یا مسجد شاه مردان تبریز سال ۱۳۴۱ شمسی)

۲. وقف برای اهل بیت؛ (موقوفه حاج علی مستطاب فرزند محمدحسین ۱۳۴۵ شمسی در تبریز)

۳. تأسیس مدارس، نظامیه‌ها و سایر مراکز علمی؛ (موقوفه علی مستطاب برای مدرسه طالبیه جهت مصارف طلاب بی‌بضاعت مدرسه در تبریز به سال ۱۳۴۴ شمسی)

۴. تأسیس کتابخانه‌ها (موقوفه حاجی مهدی اردبیلی جهت وقف کتب اصول و فقه و اخبار سال ۱۳۰۴ شمسی نیز موقوفه اهالی لاله تبریز برای خرید کتب قوانین در دوران پهلوی اول)

۵. کمک به نابینایان، معلولان و بیماران صعب‌العلاج؛ (موقوفه اهالی لاله جهت کمک به بیماران بی‌بضاعت تبریز در دوران پهلوی اول)

۶. ایجاد مکتبخانه‌ها در شهرها، روستاها؛ (موقوفه آقای حاجی میر تقی سید(صمد) قالچی

در وجه تحصیل مدرسه دختران و پسران بی‌بضاعت تبریز به هر اندازه که کفایت کند در سال ۱۳۱۳ شمسی)

۷. کمک برای گزاردن فريضه حج مستحقان؛ (موقوفه حاجی مهدی اردبیلی، در هر سال حج میقات با زیارت مدینه منوره و ائمه بقیع علیهم السلام در هر یک پنج زیارت به مبلغ - کل زیارات جهت آبا و اجداد و والده و جدات اولاد واقف است. ۱۳۰۴ شمسی)

۸. کمک به زنان بی‌سرپرست یا بد سرپرست؛ (موقوفه اهالی حکم آباد تبریز، مورد وقف: گورستان حکم آباد جهت حمایت از کمک بیوه‌زنان بی‌بضاعت ۱۳۲۴ شمسی)

۹. تهیه سفره‌های افطار و سحری برای فقرا و افراد غریب در ماه مبارک رمضان؛ (وقف گورستان در فلکه بازارچه سیلاب توسط اهالی سیلاب تبریز جهت اطعام و کمک مساعدت)

۱۰. پرداخت هزینه تکفین و تدفین مردگان فقیر و غریب؛ (موقوفه جناب موصی احمد آقا ناظم التجار تبریزی، که منافع ثلث یک قطعه زمین واقع در کوچه الهوردی خان در کوچه باغ بانضمام منافع مجری یکپخته از قنات خواجه میرجان را همه ساله به فقرا بدهند لهذا بعد از این نیز هر چه از منافع آن‌ها عایدی شود به مستحقین فقرا بدهند، در مخارج کفن و دفن و تعزیه و احسان لیالی جمعه و اربعین)

۱۱. ایجاد گورستان‌ها برای تدفین افراد فقیر، غریب و در راه مانده؛ (وقفنامه قبرستان جدید

در قریه اسفهلان محله گلبن تبریز گورستان جدید احداث می‌شود، سال ۱۳۵۶ شمسی)

۱۲. ایجاد کاروانسراها برای استراحت تاجران و مسافران؛ (نام واقف وی نیامده ولی جد وی حاجی شیخ حسن صاحب ملک فوق بوده، سه سهم از بیست و سه سهم کاروانسرای معروف - کاروانسرای عباسی واقع در تبریز سال ۱۳۵۰ شمسی)

۱۳. ساختن آسیاب‌های عمومی رایگان؛ (ثلث حاج عبدالله بارنجی، تمامی یکدانگ مشاع از جمله یک حَجَر طاحونه موسوم باسم الله داشی واقفه در ناحیه ۳، سال ۱۳۳۱ شمسی) (اسناد اداره اوقاف و امور خیریه آذربایجان شرقی)

با بیان این نمونه‌ها درمی‌یابیم که وقف نقش بسیار مهمی در ایجاد مسئولیت و رشد اجتماعی ایفا کند. از آنجا که هر جامعه‌ای در گذر

دوران با مسایل جدید و نیازهای خاص آن دوران روبه‌رو می‌شود و حکومت‌های وقت یا نمی‌خواهند و یا نمی‌توانند آن‌ها را برآورده و مرتفع نمایند، سنت وقف به صورت خودجوش در رفع آن مسایل و نیازها فعال می‌شود؛ لذا کارکرد وقف به میزان تنوع نیازهایی که تاکنون در گذر زمان به وجود آمده و نیازهایی که در آینده برای جامعه اسلامی به وجود خواهد آمد، می‌باشد (Azarpi, 2009).

پیشینه موقوفات در دوره پهلوی

پس از تشکیل حکومت رضاشاه و آغاز سیاست‌های مدرن‌سازی وی تلاش کرد تا با تغییرات در سیستم آموزشی و وضع قوانین عرفی، نفوذ روحانیت و قدرت آن‌ها را کاهش دهد. دوره شانزده ساله حکومت وی، زمانه‌ای بود که سیاست‌های او به‌طور جدی و آشکار با فرهنگ و نهادهای سنتی مقابله می‌کرد. رضاشاه با توسعه سیستم بروکراتیک و در دست گرفتن کنترل بخش‌های عمومی، توانست قدرت خود را در خصوص مسائل مختلف، از جمله موقوفات، تقویت کند. در این مسیر، گاهی قوانینی تصویب می‌شد که از نظر فقه اسلامی غیرشرعی بودند، مانند قانونی که در سال ۱۳۲۰ هـ.ش. برای فروش املاک موقوفه تصویب شد، اما پس از مدتی لغو گردید. یکی دیگر از ضربات اساسی به سیستم اوقاف در دوران پهلوی، به‌ویژه در جریان اصلاحات ارضی بود. لایحه اصلاحات ارضی که شامل اراضی موقوفه نیز می‌شد، باعث شد تا بسیاری از این اراضی از حالت وقف خارج شوند. این تغییرات باعث بی‌اعتمادی مردم به دولت گردید و به‌جای ایجاد وقف‌های بزرگ و بنیادهای وقفی، افراد به فعالیت‌های خیریه فردی روی آوردند (Nikmehr, 2012).

بررسی نیات واقفان

قلمروهای فعال وقف در عرصه تاریخ ایران بعد از اسلام بوده که کارکردهای متنوع مذهبی، فرهنگی و اجتماعی داشته است. در دوره پهلوی نسبت نزدیک بین گرایش به وقف و باورها و مناسک مذهبی موجب شده است که به گونه‌ای طبیعی و قابل درک میزان وقف در مناطق شهری و اماکن مذهبی بیشتر باشد. با توجه به اهمیت دینی

موقوفات و اقداماتی که در برابر شعائر دینی در این دوره صورت گرفت توجه به اینکه سیاستهای حکومت چه تأثیراتی بر روند موقوفات داشته است یکی از مهمترین اهداف این تحقیق به شمار می‌رود. از طرف دیگر نشان دادن تنوع واقفان، رقبه‌های وقفی و نیت آنان یکی دیگر از اهداف این تحقیق است. بخاطر حساسیتی که درباره موضوع وقف وجود دارد مانند سوء استفاده از متن وقفنامه‌ها و جعل آنها، اداره کل اوقاف و امور خیریه استان آذربایجان شرقی، صرفاً اجازه یادداشت برداری از اسناد بازنویسی شده را دادند (Nikmehr, 2012).

سازمان وقف در دوره پهلوی

پس از تاسیس اداره اوقاف و صنایع مستظرفه در دوران مشروطه، این نهاد تحولات و دگرگونی‌هایی را در طول دوران قاجار به خود دید تا اینکه ادامه این تحولات به دوره پهلوی رسید. رضاشاه در راستای محدود کردن جایگاه مذهب و روحانیت در جامعه، در اوقاف دخالت کرد (Basirat Manesh, 1978). چون یکی از منابع قدرت مالی و استقلال علما از این طریق بود، رضا شاه برای محروم کردن علما از این استقلال مالی و قطع درآمد آن‌ها و در نتیجه کاستن قدرت آن‌ها برنامه‌ها و قوانینی ارائه کرد تا دخالت و کنترل حکومت را در فرایند اداری وقف بیشتر کند تصویب قانون موقوفات در سال ۱۳۱۳ ش برای اداره امور وقف توسط دولت قدرت تصمیم‌گیری وسیعی را به دولت تفویض می‌کرد (Riahi Samani, 1999).

حسین مکی در مورد تاراج موقوفات توسط رضاشاه آورده است: «از جمله کسانی که در اموال وقف تصرف نمود، رضاشاه بود. وی دستور داد که در مورد تصرف املاک موقوفه قانونی را از مجلس بگذرانند در مورد املاک موقوفه بسیار اتفاق می‌افتاد که بین دو روستا از املاک رضاشاه، یک قریه وقفی وجود داشته باشد. او نمی‌توانست املاک خود را بهم متصل کند لذا دستور داد لایحه‌ای به مجلس دوازدهم برده شود که املاک موقوفه را به فروش برساند» (Maki, 1985).

رضاشاه در آخرین روزهای سلطنت خود، بالاخره موفق شد با عنایت به اقتدار مقطعی خود، قانونی را در ۹ ماده و در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۰ به تصویب مجلس فرمایشی خود برساند که بر اساس آن وزارت دارایی رسماً مجوز فروش موقوفه را دریافت کرد و مامور شد تا به آن مبادرت ورزد. به دنبال تصویب و توشیح این قانون تعداد زیادی از موقوفه‌های غنی کشور به تملک دربار درآمد. این تملک که ظاهری رسمی و قانونی داشت، با شکایات و درخواستهای مردم در خصوص وقف اراضی، مغازه و سایر موارد موقوفه را در بر داشت. در تحلیل موقوفات بر اساس نوع رقبات وقفی بنابر اطلاعات بدست آمده از پرونده‌های موقوفات شهر تبریز در این دوره درصد بیشتر رقبه‌های وقفی را موقوفاتی از نوع باغ و زمین شامل زمین از نوع کشاورزی و زمین برای خانه مسکونی و استفاده تجاری به خود اختصاص داده است.

این آمار نشان می‌دهد که در تبریز در این زمان، کشاورزی هنوز از اهمیت زیادی برخوردار است که درصد بیشتر رقبه‌ها را موقوفاتی از نوع باغ و زمین به خود اختصاص داده است. گفته شد رضاشاه نسبت به تملک زمین و آب بسیار عطش داشت. برخی از مردم برای اینکه زمین‌های آنان از تصرفشان خارج نشود، زمین خود را وقف و تولیت آنرا مادام‌العمر در خانواده خود حفظ می‌کردند. در این مورد رضاشاه توجه زیادی به زمین‌های بزرگ مالکان داشت. ملاکان و تجار بیشتر املاک و حجره‌ها را وقف می‌کردند و تولیت موقوفه خود را تا زمان حیات در اختیار خودشان و بعد از مرگ در افراد ذکور خانواده قرار می‌دادند. به عنوان مثال حاج میرزا عبدالله تاجر تبریزی الشهیر بخوبی هیجده حجره از یک کاروان سرا را جهت مصرف در حوائج شرعی و عرفیه وقف نموده است (اسناد اداره اوقاف و امور خیریه آذربایجان شرقی).

در این موارد، نباید تنها بر ترس از تصرف زمین‌ها توسط دولت تمرکز کرد، بلکه باید نیت خیرخواهانه برخی واقفان را نیز در نظر گرفت. علاوه بر تصرف زمین‌ها توسط رضاشاه در دوران پهلوی اول، اصلاحات ارضی در دوره پهلوی دوم نیز نقش قابل توجهی در

این موضوع داشت. در این دوره، بسیاری از زمین‌های کشاورزی تحت قانون اصلاحات ارضی قرار گرفتند و کشاورزان و زمین‌داران برای جلوگیری از دست دادن زمین‌های خود، اقدام به وقف آن‌ها کردند. به عنوان نمونه، ژرژ لازار در خسروآباد تبریز چهار قطعه زمین و دو باب محل باغ خود را وقف نمود. (اسناد اداره اوقاف و امور خیریه آذربایجان شرقی)

در طی مراحل اصلاحات ارضی هر چند زمینهای وقفی در ابتدا مشمول قانون اصلاحات ارضی نشد ولی این قوانین در مراحل بعدی زمینهای وقفی را نیز دربر گرفت. البته این مورد نمی‌تواند تنها دلیل وقف باشد و نیت مذهبی واقفان هم بسیار تاثیر گذار بوده است (Shoja Fath Abadi, 2003). دومین نوع رقباتی که در این زمان بیشترین درصد را به خود اختصاص داده است موقوفات مسکونی و بعد تجاری هستند. تعداد قابل توجه موقوفات تجاری در تبریز در این دوره بیان‌کننده رونق تجارت در آن است. بیشترین تعداد رقبه وقفی در میان رقبات، تجاری، شامل دکان و مغازه می‌شود (Yousefi, 2010).

انگیزه‌های واقفان در تبریز در دوره رضاشاه

در دوره رضاشاه، انگیزه‌های واقفان در تبریز چندگانه و تحت تأثیر شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آن دوره بود. برخی از مهم‌ترین انگیزه‌ها عبارت بودند از:

حفظ و تقویت نهادهای مذهبی و فرهنگی: در دوره‌ای که رضاشاه سیاست‌های اصلاحی و مدرن‌سازی را دنبال می‌کرد، برخی از واقفان انگیزه داشتند تا از طریق وقف، مساجد، حسینیه‌ها و مدارس دینی را حفظ کرده و تقویت کنند. این اقدام به نوعی تلاشی برای مقابله با تغییرات و حفظ هویت مذهبی و فرهنگی بود.

حمایت از آموزش و پرورش: بسیاری از واقفان در تبریز انگیزه داشتند تا با وقف اموال خود، مؤسسات آموزشی و مدارس را تأسیس کرده یا تقویت کنند. این امر در پی توسعه آموزش در دوران رضاشاه، به ویژه در شرایطی که مدارس جدید تأسیس می‌شد، نقش مهمی داشت.

تأثیرات سیاسی و اجتماعی: برخی از واقفان ممکن بود به دنبال جلب توجه دولت مرکزی و کسب جایگاه اجتماعی و سیاسی، اقدام به وقف می‌کردند. در این دوره، افرادی که در موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی بالاتری قرار داشتند، به‌ویژه در تبریز، از وقف برای تقویت موقعیت خود یا ایجاد روابط نزدیکتر با دولت استفاده می‌کردند.

حمایت از نیازمندان: برخی واقفان به دلیل احساس مسئولیت اجتماعی و دینی، اموال خود را وقف می‌کردند تا از این طریق به فقرا، یتیمان و نیازمندان کمک کنند. این انگیزه همچنان در دوره رضاشاه اهمیت داشت و بخشی از فعالیت‌های وقف در این دوران به امور خیریه اختصاص داشت.

در مجموع، انگیزه‌های واقفان در تبریز در دوران رضاشاه ترکیبی از حفظ ارزش‌های مذهبی، پاسخ به تحولات اجتماعی و نیازهای آموزشی و همچنین تأثیرات سیاسی و اقتصادی بود (Pirbabayi & Iranshahi, 2021).

تحلیل موقوفات براساس اندیشه واقفان

وقف رقبه یا مجموعه‌های مذهبی عمدتاً در حول محور جهان بینی الهی، اعتقاد به ادامه زندگی در آن جهان و برای حفظ و استمرار معتقدات مذهبی دور می‌زند. موقوفات در تبریز در این دوره به دو منظور کلی انجام شده است حفظ نشر و تبلیغ دین اسلام و رفع نیازهای مردم نیازمند. در هر صورت انسان معتقد به این عمل به ارزشهای دینی خود ارج گذاشته و دین خود را زنده نگه داشته است. وقتی که انسانی با توجه به معتقدات مذهبی، مکان آموزشی یا درمانی احداث و برای استفاده مستمندان جامعه خود موقوفاتی را قرار داده است و یا موقوفاتی برای ارتقای سطح معیشتی نیازمندان ایجاد کرده در واقع با عنایت بخشیدن به اعتقادات خود در قالب فضاهایی در جامعه خویش علاوه بر ارتقای کیفیت سطح آموزش، درمان و معیشت مردمان جامعه خود، سعی بر سرافرازی دین و حیات ملموس آن در زندگی مردم دارد. نیت واقفان در این دوره بیشتر گرایش به امور مذهبی شامل عزاداری ائمه معصومین به خصوص، امام حسین

(ع) تلاوت قرآن و اطعام فقرا، ساخت مسجد، عزاداری ائمه و امور مذهبی امثال آن دارد و علیرغم سیاستهای ضد مذهبی مانند منع عزاداری سیدالشهدا و سایر ائمه، بخصوص در دوره پهلوی اول باز طبق آمار، بیشتر مصرف موقوفات، سمت و سوی مذهبی دارد. بر طبق آمار بیشترین موقوفات در بین سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۲ مشاهده شده است. میزان گسترده موقوفات در این زمان حاکی از اعتقادات مذهبی محکم مردم و علاقه کمک به هموطنان است. در این سالها که رضاشاه هوای مدرنیزاسیون در سر داشت، هنوز سیاست‌های مذهب ستیزانه خود چون کشف حجاب و منع سوگواری برای امام حسین (ع) را آشکار نکرده بود، اما کمتر به مذهب و موسسات مذهبی توجه داشت.

اما در عین حال بر طبق اسناد موقوفات اداره اوقاف علیرغم شروع مدرنیزاسیون در جامعه ایران و به تبع آن در تبریز در این زمان بیشترین مورد وقف در دوران رضاشاه و در سال ۱۳۱۰ دیده می‌شود. این نشان می‌دهد که علیرغم سیاستهای نوگرایی رضاشاه باز جوامع دینی و فرهنگی و عقاید نوع‌دوستانه خود وفادار است و مسائل مذهبی را در اولویت قرار داده است و بیشترین وقف با موضوعات مذهبی در آن دوره دیده می‌شود. (براساس اسناد اداره اوقاف و امور خیریه آذربایجان شرقی)

در این سال‌ها، سیاست‌های ضد مذهبی رژیم به‌طور آشکار و خشن اجرایی شد. در این راستا، رضاشاه قوانینی برای غصب موقوفات تصویب کرد و به شیوه‌های مختلف زمین‌های مردم، از جمله زمین‌های وقفی را از دست آنان خارج نمود. اوج این سیاست‌ها در سال ۱۳۲۰ با تصویب قانون فروش موقوفات بود که اگرچه بیشتر از شش ماه دوام نیاورد، اما در همین مدت کوتاه بسیاری از زمین‌های وقفی از حالت وقف خارج یا تغییر کاربری یافتند. این اقدامات باعث بی‌اعتمادی شدید مردم به دولت شد، به‌طوری که آنان دیگر زمین‌های خود را وقف نمی‌کردند، چرا که مشاهده می‌کردند حتی موقوفات نیز از دست می‌رود. این بی‌اعتمادی تا پایان دوران رضاشاه ادامه داشت. از سوی دیگر، رضاشاه با تأسیس مؤسسات مذهبی

جدید مانند مؤسسه وعظ و خطابه، سعی داشت فعالیت‌های مستقل مذهبی را محدود کند. این اقدامات به‌ویژه در تبریز که شهری مذهبی بود، قابل توجه بود. در مقابل، چون مردم می‌دیدند دولت به مذهب توجهی ندارد و حتی تلاش در محدود کردن آن دارد، خود دست به وقف می‌زدند تا نیازهای مذهبی جامعه را برطرف کنند. به قول باستانی پاریزی: «وقف در اینجا مانند یک نوع بیمه اجتماعی عمل می‌کند.» همچنین، با ممنوعیت عزاداری امام حسین (ع) در این دوره، بیشتر موقوفات به سمت عزاداری سیدالشهدا (ع) گرایش پیدا کرد و سیاست‌های حکومت نتوانست مردم را از فعالیت‌های مذهبی بازدارد. در واقع، موقوفات به‌طور طبیعی متناسب با نیازهای جامعه شکل می‌گرفت؛ هرگاه دولت در تلاش برای محدود کردن عقاید و رسوم مذهبی بود، مردم برای جبران این کمبودها، موقوفات جدید ایجاد می‌کردند. از جمله مسائل قابل توجه در این دوره، نبود بنیادهای

خیریه برای نگهداری کودکان یتیم، عدم اختصاص موقوفات به امور آموزشی و تحصیلی و کم‌توجهی به مسائل زنان بود.

بررسی اندیشه‌ها و موارد مصرف واقفان تبریز

با بررسی موقوفه‌های تبریز با استناد به وقف‌نامه‌های در دسترس، مطابق فرضیه تحقیق می‌توان اثبات کرد که اکثریت قریب به اتفاق واقفان صرفاً با انگیزه‌های مذهبی آن هم از باب عرفی به وقف اقدام نموده‌اند و در دوره پهلوی که نیازهای بدیهی جامعه که شامل مدرسه، بیمارستان، نوانخانه، رسیدگی به ایتم، امکان ازدواج برای فقرا، قرض الحسنه برای نیازمندان و... عامداً یا سهواً فراموش شده‌اند یا اصلاً در اولویت واقفان قرار نداشته است و این موضوع برای افرادی که امور خیریه را نه برای خودنمایی بلکه به منظور رعایت دستورات الهی و کمک به ابن السبیل می‌داند امری غیر قابل باور می‌نماید. ذیلاً به شمه‌ای از موقوفات تبریز و اندیشه‌های واقفان اشاره می‌نمایم که خود می‌تواند فرضیه تحقیق حاضر را به اثبات رساند.

جدول ۱. لیست موقوفه‌ها موارد مصرف

ردیف	موقوفه	مورد وقف	موارد مصرف
۱	موقوفه عباسعلی شنب غازی	مورد وقف: زمین یک باب حمام واقع در محله شنب غازان که اعیانی حمام نیز توسط واقف عرصه و اهالی تعمیر و تجدید بنا گردیده است.	مصرف موقوفه مصارف و تعمیرات کلی و جزئی حمام
۲	واقف عباسعلی سلیمانی خطیبی	موقوفه: ۱) شش‌دانگ یک قطعه زمین به پلاک ۱/۷۸۴ واقع در بخش ۵ تبریز محله خطیب (۲) جریان آب چهار ساعت از گردش ۲۰ شبانه روز قنات میرزا باقر خطیب و تعمیرات و مرمت مسجد مذکور.	مصرف منافع آن‌ها در تعزیه‌داری حضرت خامص آل عبا در مسجد میرزا باقر کوی خطیب در تعمیر و مرمت نمودن مسجد مزبور و هر سال ۵۰۰ ریال به زوجه واقف خانم خدیجه دختر مناف
۳	واقف حاجی علی اصغر یاغچی (علی اصغر آقا بن آقا حسین یاغچی)	مورد وقف یکباب دکان خیازی واقع در محله چرنداب نزد مسجد امامزاده تبریز	مصرف تعزیه‌داری حضرت سیدالشهداء، مسجد امامزاده
۴	موقوفه گل پری	مورد وقف، یک دانگ و نیم از شش‌دانگ بالاشامه قریه سندان (هندلان) است	وقف جناب سیدالشهدا که منافع آن سال در تعزیه و سایر طُرُق متعلقه مصرف شود.
۵	موقوفه میرزا جواد شقاقی	مورد وقف شامل یک مساحت نیم دانگ ملک از قریه فاضلوی واقعه در محال (کاغذکنان)، از محله چهار دانگ مختص و متصرف فیه خود معادل یک قطعه حدیقه شجره مثمره واقع در اراضی شایقین فی قرار محال سراب جمیع توابع آن‌ها	به جناب خامص آل عبا شهید کربلا، منافع ساقین مزبورین در دهه عاشورا بمخارج و مصارف آن مظلوم خرج شود.

۶	موقوفه حسینیة سیدالشهدا حاج الهیار	- قطعه زمین به شماره پلاک ۶۳/۳۰۰۰ ابتیاع شده- سه دانگ مشاع از یکباب خانه از پلاک ۶۳/۳۰۰۰ واقع در بخش ۶ تبریز - سه دانگ مشاع از شش دانگ یکباب از همان پلاک برابر ثبت ۲۶۰۳۳ خریداری شده	چون محله حاج اللهیار (خیابان جمشیدآباد) فاقد حسینیة عزاداری است قطعه زمین خریداری و حسینیة بزرگی مجاورت و عرصه و اعیاناً وقف عزاداری سیدالشهدا شود.
۷	حاج محمود تقاعدی اسکویی	تمامی و همگی شش دانگ یک قطعه زمین تحت پلاک شماره ۷۷۳۱ فرعی ۴۵ (قطعه ۱۴) واقع در بخش ۵ تبریز	جهت احداث مسجد چهارده معصوم در خیابان راه آهن کوی افسران
۸	موقوفه فتحعلی خان امین الرعایا	- قریه بالسن امین الرعایا - نیم دانگ مشاعی قریه بالسن املاک مشاع مزارع قریه مزبوره	امور دینی، صحن مطهر علی (ع)
۹	ثلث حاج عبدالله بارنجی	تمامی یکدانگ مشاع از جمله یک حجر طاحونه موسوم باسم الله داشی واقفه در ناحیه ۳- جاریه از قنات ساچلی با توالی شرعی و عرضه تحت پلاک شماره ۳۸۹ از خروج آب تا دخول آب و کل ما يتعلق نهار امال المصالحه	امورات صالحه
۱۰	موقوفه: مسجد حاج حسینعلی	مورد وقف: ۴ باب دکاکین واقع در میدان قطب معروف به میدانگاه	منافع آن به تعمیر مسجد مزبور و تعزیه داری سیدالشهدا (ع) مصرف شود.
۱۱	موقوفه میر حسن تاج الدینی	مورد وقف: همگی شش دانگ یکباب دکان به پلاک شماره ۴۳۳۵ واقع در شهر تبریز میدان کاه فروشان	به منظور توسعه مسجد پلاک ۴۳۳۶ مشهور به مسجد دباغخانه واقع در..... که مومنین و مسلمین از آن استفاده نمایند.
۱۲	موقوفه علی اصغر دسمالچی	مورد وقف: دویست و سی سهم مشاع از شش دانگ شرعی در عباسی به انضمام سردالان و سه باب دکان و پنج باب سکوی جنین درب دالانها واقع در بخش هشت تبریز و تولیت آن ها را به اداره کل امور خیریه استان است.	برابر مقررات درآمد سالیانه رقبات موصوف را پس از انجام تعمیرات لازم صرف نیازهای مسجد طوبی واقع در خیابان آزادی جنب اداره کل اوقاف و ایاب و ذهاب امام جماعت آن مسجد بنمایند.
۱۳	موقوفه: علی غیائی	مورد وقف: تمامی بیست و هفت و نیم ملک شخصی و مشاع خود از شش دانگ دویست و سی سهم شرعی در عباسی به انضمام سه دالان و سه باب دکان و پنج باب سکوی واقع در جنب دالانها به پلاک های ۱۱۴۴ و ۱۹۸۶ الی ۱۹۸۹ واقعات در بخش هشت تبریز از اسناد مالکیت سهام وقفی طی شماره های و و و به ترتیب صادره از دفترخانه های ۶ و ۳۲ و ۱ و ۵ تبریز می باشد.	موارد مصرف: درآمد سالیانه سهام وقفی برابر مقررات شرعی و قانونی پس از کسر هزینه های اداری به چهار قسمت تقسیم شود. سه قسمت به موسسه حمایت از مستمندان تبریز: یک قسمت باقیمانده به مسجد طوبی واقع در خیابان آزادی جنب اداره کل اوقاف در مصارف ضروری و لازم آن موسسه و مسجد مزبور هزینه گردد.
۱۴	موقوفه: کربلایی نصیر ولد استاد زمان	مورد وقف: همگی یکباب دکان بقالی واقع در درب اعلا محدود به ساقی خانه و بدکان قصابی و بقیرستان و بشارع	سال به سال بعد از اخراج مخارج خود دکان از قبیل گل اندود و مرمت کاری، منافع آن را در تکیه محازی اوست در تعزیه داری امام حسین (ع) مصرف کنند.

۱۵	موقوفه معرف به مسجد حاج ابراهیم	یک قطعه باغچه معروف به باغچه سیدحسن	تعمیر ابنیه مذهبی و مخارج تغریه سیدالشهدا و تهیه لوازم تا ابدالدهر در مسجد حاج ابراهیم هزینه شود حتی برای هزینه قند و چای و سوخت مسجد محله با احتیاط هزینه شود.
۱۶	موقوفه حسنعلی امیرنظام حکمران مملکت آذربایجان	۶ باب دکانین واقع در محله سرخاب در بازارچه سیدحمزه با حدود معینه و با جمیع متعلقات وقف نموده است	به بقعه شریفه جناب سیدحمزه اعلی الله مقاله که همگی اینها را به شرایط گفته شده مصرف نمایند: اولاً یک جفت چراغ هر شب در سر مقبره جناب سیدحمزه کاب تا صبح روشن بماند - تعمیرات دکانین - تعمیرات بقعه متبرکه با صلاحدید متولی با اضافه حق التولیه - دخل و تصرف در امورات دکانین طلا توسط متولی در راه خیر
۱۷	موقوفه رحمن قراملک از حوزه قراملک	نصف دکان کباب پزی که مستأجر دارد با ۵ من از یک قطعه زمین	منافع آن را در مسجد بزرگ قراملک و مسجد جامع مراد خرج کنند - باقی ثلث مزبور را بعد از وضع مخارج متن اگر اضافه ماند نصف آن را به مسجد بزرگ و نصف دیگر را به مسجد حاج مراد بدهند.
۱۸	موقوفه حاج علی ذوقی باسمنج	اموال غیرمنقول - یکباب دکان بقالی واقع در قریه باسمنج	جهت مصرف تعزیه داری حضرت سیدالشهدا وقف نموده است.
۱۹	موقوفه موسی خان	یک باب حمام مردانه با مضافات و ملحقات در دارالسلطنه تبریز محله چهار منار (دارائی فعلی) نیز ده من زمین معروف به زمین حکیم	در مسجد میانه محله خطیب در ماه محرم و ماه رمضان در تعزیه داری حضرت سیدالشهدا مصرف نمایند. اگر چیزی بعد از موارد بالا باقی ماند در مصارف احسان شود.
۲۰	موقوفه محمدعلی فضلی قراملکی	مورد وقف شش دانگ خانه واقع در بخش هفت تبریز قراملک	جهت مصرف در تعمیرات و آبادی مسجد بزرگ واقع در بخش هفت تبریز محله قراملک و احداث ساختمان در مورد وقف منظور شده است.
۲۱	موقوفه حاج علی مستطاب	مورد وقف، سه دانگ و سه ربع دانگ مشاع از شش دانگ یک باب دکان	مصرف موقوفه در تعزیه داری و روضه خوانی حضرت سیدالشهداء و سایر ائمه اطهار در مسجد میرزا و سایر مساجد صرف و خرج نماید.
۲۲	موقوفه علی مستطاب	شش دانگ یک باب دکان واقع در بخش ۴ تبریز	منافع موقوفه را جمع آوری پس از مخارج تعمیرات ملک یک عشر آن را بنام حق التولیه تصرف و مابقی را در خرید کتب فقه و اصول اثنی عشری و اهدا آن ها به طلاب مدرسه طالیه بدهند. مابقی اگر بود به سایر مصارف طلاب بی بضاعت مدرسه مذکور مصرف کنند.

۲۳	موقوفه حاجی سردودی	وقف شامل ثلث جمیع مال/ یک ثمن آب از قنات لورلر/ باغ مکروم قدیمه	مصرف آن در صوم و صلوٰه - شصت عدد نماز آیات - ده تومان رد مظالم و نماز وحشت، منافع باقی مانده صرف مصارف مسجد حاجی ابراهیم، اگر باز باقی ماند صرف تعزیه‌داری جناب سیدالشهدا خواهد بود.
۲۴	موقوفه مشهدی محمد کلاه‌دوز (جعفری تبریزی)	یک باب دکان قهوه ملکی واقع در سرچشمه محله گارزان ناحیه ۵ تبریز	وقف مسجد محله گارزان نموده که منافع آن هر سال با تولیت خودم مادام الحیاة و با اولاد ذکور وی پس از وفات در همان مسجد به تعزیه‌داری حضرت سیدالشهدا علیهم السلام و احتیاجات خود مسجد مزبور خواهد بود.
۲۵	محمد علی اسلامبولچی	موضوع وقف: اموال منقول و غیرمنقول: (۱) خمس تمامی نقود و مال‌التجاره؛ (۲) ثلث تمام مایملک (دکاکین - قنات و املاک یر منفعت) می‌باشد	صرف مستحقین از سادات، یک ربع در رد مظالم به فقرا و مستضعفین، مصرف ثمن یک ربع در عروسی سادات، مقبره مساجد، روضه خوانی، ختم قرآن در ماه رمضان تا بیست سال، نصف املاک بعد از ۴۰ سال در شب‌های احیا احسان شود.
۲۶	موقوفه حاج محمد امیر خیزی	تمامی یک طاق دکان بزازی واقع در تیمچه شیخ کاظم - یک چارک بالاشاعه از جمله حمام واقع در خارج محله امیرخیز - یک چارک بالاشاعه از جمله دکان خیازی واقع در امیرخیز - با سایر دکاکین که در قرب دکان مزبور واقع است.	در عزاداری در حد شأن وی، جنازه نقل به نجف الاشرف، نماز وحشت، نماز آیات، ۲۵۰ عدد صوم و صلاة به مدت ۳۵ سال، سهم مال امام، رد مظالم از اصل ترکه، تعزیه سیدالشهداء کمک به فقرا به صلاح‌دید صرف شود.
۲۷	موقوفه میرعلی وثیق پاکدوست	ششدانگ یک باب خانه	منافع حاصله از موقوفه مذکور را با صلاح‌دید علماء محل و اشخاص متدین بهر نحویکه صلاح بدانند در عمران و آبادی مسجد و خود موقوفه خرج نمایند.
۲۸	موقوفه اهالی لاله تبریز	مورد وقف: گورستان لاله (یک قطعه زمین به مساحت ۹۰۷۱ متر مربع به پلاک ۱۳ فرعی از ۱۳ اصلی بخش ۱۰ تبریز واقع در محله لاله)	صرف احسان و کمک و مساعدت به دانش‌آموزان و بیماران بی‌بضاعت و خرید کتب قوانین گردد.
۲۹	موقوفه اهالی حکم آباد تبریز	مورد وقف: گورستان حکم آباد - هفت قطعه زمین در آخر خیابان بهار نرسیده به آذربایجان	عواید موقوفه صرف تلاوت قرآن بر صاحبان قبور و احسان در حق آن‌ها - خریدار لوازم تحصیل برای دانش‌آموزان بی‌بضاعت و ترویج قرآن گردد.
۳۰	موقوفه اهالی سیلاب تبریز	مورد وقف: گورستان واقع در آخر خیابان سرباز شهید، فلکه بازارچه سیلاب	عایدی آن هزینه تدریس، مسابقات قرآنی، خرید کتب دینی، کمک و مساعدت اطعام و احسان مستحقین و تعمیرات مساجد و شناسایی موقوفات هزینه شود.
۳۱	اهالی سید حمزه	دو قطعه زمین در گورستان سید حمزه، تبریز	در اجاره بهداری استان که عواید آن به کمک بیوه‌زنان بی‌بضاعت، دانش‌آموزان، بیماران، گورستان‌های فاقد درآمد، هزینه تدریس و مسابقه قرآن و خرید کتب

دینی، اطعام و کمک مساعدت، کتب قوانین مصرف گردد.	
که به مصرف کمک به مقدار، سادات، قرائت کلام الله مجید و روضه خوانی در سر مقبره واقف در قم و سایر وجوه بر و احسان برسد.	۳۲ موقوفه میرزا عبدالرحیم خان قائم شش دانگ قریه مایان واقع در حومه تبریز مقام وزیر
به مصرف روشنایی مسجد پیر محله امیر زین الدین و تعزیه داری حضرت سیدالشهدا علیه السلام از ایام محرم الحرام الی آخر صفر برسد.	۳۳ موقوفه کربلانی علی قصاب (علی بن شش دانگ یک باب دکان قصابی واقع در محله امیر زین الدین تبریز کریم)
مصرف سال به سال در لیالی جمعه مشهور ثلاثه هر سال که عبارت است از شهر رجب، شعبان و رمضان در تعزیه حضرت خامص آل عبا، گردد و اگر از منابع مزبوره تمه داشته باشد صله ارحام لباس - ذغال و غیره. چنانچه اقتضا نماید در مسجد محله در ایام محرم تعزیه داری کنند.	۳۴ موقوفه فخرالدین حاجی غفار مشهور قنات لورلر جاریه به اراضی سردرود، یک شبانه روز و یک ربع شبانه روز به بزاز
مصرف آن سال به سال منافع داخل حمام مزبور بعد از اخراج وضع نمودن مصرف و مایحتاج او را از تعمیر و غیره انجام بقیه در راه سیدالشهدا خرج و مصرف نمایند. شرط واقف عدم اجاره حمام مذکور می باشد در صورت امکان، در عدم امکان به آدم امین و دین دار بدهند که باعث اصلاح و آبادی باشد نه ساعی به خرابی.	۳۵ موقوفه حاج میرفتاح کهنموئی مورد وقف: یک باب حمام واقع در محله خیابان بیرون شهر
مورد مصرف آن تعمیر مسجد و انبار واقع در جنب خانه های مرحوم آقا میرفتاح و به مسجد واقع در آخر آبادی محله چرنداب تبریز مشهور به مسجد فرج و باقیمانده منافع در شهر محرم در دو مسجد مرقوم برای روضه خوانی حضرت سیدالشهدا باشد.	۳۶ مورد وقف: نصف از دکان دواخانه نصف (از دکان خرازی واقع در راسته بازار
اجاره های آن ها به مصارف و لوازمات مسجد کریم خان از قبیل پول آب انبار، حوض، تنقیه صیال و حصیر، کاهگل و مخارج خود مسجد، برف رویی و غیره مایحتاج مسجد مزبور گردد.	۳۷ موقوفه مسجد کریم خان و دکانین هشت باب دکان و یک باب دکان کوچک و یک قطعه حیاط با پلاک های مرقومه فوق با توابع شرعی و لواحق عرفیه واقعات در بخش ۱ تبریز جنب مسجد کریم خان وقف ابنیه

تکراری و معمول انجام گرفته اند. این نیت ها بیشتر به طور عرفی و طبق عادات مذهبی و اجتماعی انجام شده اند و نه با توجه به نیازهای

این لیست تنها شمه ای از موقوفات تبریز در دوران پهلوی است که نشان می دهد، جز در موارد نادر، اکثریت این موقوفات با نیت های

واقعی جامعه آن زمان که به‌ویژه در زمینه‌های آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و اجتماعی دچار کمبود بودند. این نشان می‌دهد که علیرغم وضعیت اجتماعی و نیازهای روزمره جامعه، موقوفات عمدتاً در چارچوب‌های مذهبی و دینی، نظیر عزاداری برای ائمه معصومین، ساخت مساجد و تکیه‌ها، و انجام امور دینی دیگر قرار داشته‌اند.

نکته مهم دیگری که در تمام وقف‌نامه‌ها به وضوح مشاهده می‌شود، تنوع واقفان در این دوره است. طبق وقف‌نامه‌های موجود از دوران پهلوی، افراد از طبقات اجتماعی مختلف اقدام به وقف اموال خود کرده‌اند. این تنوع به وضوح نشان‌دهنده آن است که موقوفات در سطح وسیعی توسط طبقات مختلف جامعه انجام شده، و این مسئله می‌تواند بیانگر اهمیت و تأثیر مذهب در جامعه آن زمان باشد، حتی اگر برخی از این موقوفات در راستای نیازهای اجتماعی آن زمان نبوده‌اند. این تنوع در میان واقفان می‌تواند نمایانگر روحیه عمومی مردم تبریز باشد که به‌طور کلی به امور دینی و مذهبی اهمیت زیادی می‌دادند، حتی در شرایطی که نیازهای اجتماعی و رفاهی جامعه خود به‌طور جدی نادیده گرفته شده بود.

بنابراین، می‌توان گفت که اگرچه این موقوفات بیشتر به‌منظور پاسخگویی به نیازهای مذهبی و دینی انجام شده‌اند، اما تنوع واقفان و طبقات اجتماعی مختلف که در این اقدامات مشارکت داشته‌اند، نشان می‌دهد که وقف به‌عنوان یک عمل اجتماعی و فرهنگی در تبریز، در گستره وسیعی از افراد و گروه‌ها صورت گرفته و تأثیرات مختلفی در این جامعه برجای گذاشته است.

نتیجه‌گیری

روند وقف در دوره پهلوی همانند دوره‌های پیش از آن ادامه داشت، اما تحولات سیاسی و اجتماعی این دوران باعث تغییراتی در کیفیت و کمیت موقوفات شد. بر اساس اسناد اداره اوقاف استان آذربایجان شرقی (نواحی سه گانه تبریز)، در مجموع ۱۷۰ وقف در این دوره ثبت شده است که بیشتر آن‌ها با نیت‌های شخصی افراد و در راستای تأمین هزینه‌ها و تعمیرات مساجد، حسینیه‌ها و برگزاری مراسمات مذهبی صورت گرفته‌اند. این امر نشان‌دهنده آن است که علی‌رغم

تلاش‌های دولت پهلوی برای کنترل امور مذهبی و کاهش نفوذ روحانیت، اعتقادات دینی مردم همچنان بر انگیزه‌های وقف تأثیرگذار بود. بسیاری از موقوفات در این دوره به مصارف مذهبی اختصاص داشت و این به معنای آن است که سیاست‌های ضد مذهبی حکومت پهلوی نتوانسته بود به‌طور مؤثر بر باورها و رفتارهای مذهبی مردم تأثیر بگذارد.

در این دوره، بیشتر موقوفات به زمین‌ها، باغ‌ها، قنات‌ها و جویبارها تعلق داشت که نشان‌دهنده گرایش واقفان به حفظ و نگهداری منابع طبیعی برای تأمین هزینه‌های مذهبی و اجتماعی بود. علاوه بر این، رقابت تجاری مانند دکان‌ها و حجره‌ها نیز به دلیل ارتباط تنگاتنگ اهالی بازار با مذهب و روحانیت، در صد قابل توجهی از موقوفات را تشکیل می‌دهند. این امر نشان می‌دهد که موقوفات همچنان به‌طور عمده برای امور مذهبی و اجتماعی استفاده می‌شد، به‌ویژه در مناطقی مانند تبریز که به‌طور سنتی وابستگی زیادی به فعالیت‌های مذهبی داشت.

با این حال، در این دوره، موقوفات به ندرت برای امور بهداشتی، درمانی و آموزشی اختصاص می‌یافت. این وضعیت نیاز به بررسی جامعه‌شناسانه دارد، زیرا نشان می‌دهد که در حالی که نیازهای اجتماعی و فرهنگی جدید در جامعه در حال رشد بودند، همچنان بیشتر موقوفات به امور مذهبی محدود می‌شد و این موضوع موجب عدم توجه به نیازهای دیگر همچون بهداشت و آموزش در جامعه شد. در نتیجه، می‌توان نتیجه گرفت که در دوره رضاشاه، علی‌رغم تلاش‌های دولت برای محدود کردن فعالیت‌های مذهبی و نهادهای دینی، مردم همچنان انگیزه‌های مذهبی قوی داشتند و موقوفات عمدتاً برای پاسخگویی به نیازهای مذهبی و اجتماعی جامعه استفاده می‌شد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The institution of waqf (Islamic endowment) has long served as a pivotal pillar within Iran's religious and socio-economic systems, maintaining its significance through centuries of political transitions and reforms. In this study, the focus is placed on the city of Tabriz during the Pahlavi era—specifically under the reign of Reza Shah—and the transformation of waqf as a cultural, legal, and political institution. Drawing from archival sources, the article investigates the motivations of donors, the types of properties endowed, and the socio-religious context that shaped the practice of endowment. The authors argue that while waqf in Iran historically encompassed a broad spectrum of charitable purposes, including education, health, and public welfare, during the Pahlavi period, particularly under Reza Shah's secularizing reforms, the institution of waqf was redirected, politicized, and in some cases, suppressed. Notably, many landowners opted for endowment as a protective legal mechanism against state appropriation, often motivated less by altruism and more by legal self-preservation and tax avoidance (Nikmehr, 2012). As such, the article not only provides a legal-historical exploration of endowment practices but also delves into the embedded cultural patterns and state-religion dynamics that influenced these practices in early 20th-century Iran.

The authors trace the genealogy of the waqf institution back to pre-Islamic Persia, showing how its function evolved through Islamic influence and later integration into the Shi'a legal framework (Shahabi, 1964). In the classical era, waqf included properties for mosques, libraries, and caravanserais, and over time, expanded to include provisions for pilgrims, the poor, and religious rituals. However, during the Reza Shah era, a notable shift occurred. His modernizing agenda, which sought to centralize power and diminish clerical autonomy, included efforts to seize or dissolve endowments through legislative means such as the controversial 1941 law that allowed the sale of waqf properties (Maki, 1985). The article

suggests that this transformation had paradoxical effects: while it limited the clerical control of endowments, it also led to a surge in private endowment activities as wealthy individuals sought to retain their property by placing it under the protective legal umbrella of religious charity. Importantly, the study reveals that the content of many endowment deeds during this period reveals a marked lack of concern for broader public good—schools, health services, and women's shelters were rarely mentioned. Instead, most waqfs emphasized ritualistic religious practices such as mourning ceremonies for Imam Hussein and mosque maintenance (Yousefi, 2010).

This paper also presents a comprehensive analysis of over 170 documented endowments in Tabriz during the Pahlavi period, highlighting their geographic and typological concentration. A dominant share of these endowments included agricultural lands, urban shops, and residential units—indicating both the agrarian base of Tabriz's economy and the strong commercial-religious ties among the urban elite. In this socio-economic milieu, endowments were often structured to maintain control within the donor's family, with legal stipulations transferring the stewardship (tawliyat) to male descendants. These strategies were not just about preserving property from state expropriation but also about maintaining patriarchal legacy and social prestige. The authors argue that even though a significant portion of the endowments was masked in the language of religious duty, the lack of diversity in their functions—especially the neglect of women's, educational, and public health needs—reveals a performative religiosity shaped more by traditionalist habitus than progressive social engagement (Shoja Fath Abadi, 2003). This section of the article critically engages with the motivations of the donors, contrasting spiritual claims in waqf deeds with their actual legal and economic implications.

An important contribution of this study lies in its nuanced treatment of waqf during the specific historical moment of Reza Shah's reign. The

authors note that while many scholars frame this era as one of religious suppression, the actual archive suggests a more complex narrative. For instance, the early years of Reza Shah's rule—before his anti-religious policies such as banning Ashura rituals or mandating unveiling—witnessed a sharp increase in religious endowments (Pirbabayi & Iranshahi, 2021). This temporal detail underscores the reactive nature of religious communities who, perceiving the diminishing influence of institutional Islam, intensified their private investments in religious preservation. The article shows that these acts of waqf served not only as resistance to state secularism but also as a form of social insurance. In the words of one cited scholar, waqf acted as “a kind of social insurance” during this period, filling the gaps left by state institutions. Still, the authors caution against romanticizing this trend, highlighting that the same endowments often reproduced class hierarchies and gender exclusions, sidelining structural reforms in favor of ritual expenditures (Basirat Manesh, 1978).

Another major thematic area of the article is the legal and institutional evolution of waqf under Pahlavi governance. The paper explores how the establishment of centralized waqf administration and the bureaucratization of religious endowments altered the legal terrain of endowment practices. The founding of the Endowments and Fine Arts Administration and the introduction of state oversight mechanisms marked a critical departure from the decentralized, community-based waqf governance of previous centuries (Riahi Samani, 1999). This centralization, while ostensibly aimed at transparency, also enabled the state to exercise tighter control over endowment revenues and reorient them toward state-approved religious or cultural projects. As such, the study demonstrates how even religious philanthropy was subject to the logic of state control, revealing the limits of waqf as a vehicle for civil autonomy. The authors further note that in many cases, waqf deeds were either altered or selectively interpreted to align with state interests, leading to legal disputes and public

mistrust. This dimension of the study not only highlights the tensions between tradition and modernization but also adds to the broader discourse on legal pluralism and state-society negotiation in authoritarian contexts.

In the final empirical section, the article tabulates and analyzes the consumption purposes of a diverse set of endowments made in Tabriz during the early to mid-20th century. A majority of these deeds pertain to mourning rituals (ta'ziyah), mosque construction, Quran recitation, and maintenance of religious facilities. Cases of endowment for orphan care, women's welfare, or scientific education are rare, suggesting a strong ritualistic pattern to religious giving during the era. The authors provide detailed archival evidence showing that while some endowments were allocated for education, such as purchasing books for theological schools, these were often limited to male clerical training and excluded broader educational reforms. A small number of endowments also addressed needs such as funeral expenses for the poor or charity kitchens during Ramadan, indicating that while some social concerns were addressed, they were not central to the waqf system in this period. This data-rich analysis strengthens the article's overarching claim: that while endowments under Reza Shah persisted as an instrument of religious life, they rarely evolved to meet the changing social, educational, and economic challenges of modern Iranian society.

In conclusion, the article offers a multidimensional analysis of waqf in Tabriz during the Pahlavi era, weaving together legal history, political reform, socio-economic motivations, and religious practice. It argues that waqf served as a double-edged sword: while it functioned as a mechanism of resistance against state secularization, it also became a conservative instrument replicating traditional hierarchies. Despite the constraints imposed by Reza Shah's modernizing regime, religious endowments continued, largely in conventional forms, with limited attention to modern social needs. This study therefore invites scholars and policymakers alike to reconsider the

historical potential and limitations of waqf as a tool for both social justice and political resistance.

References

- Azarpi, S. (2009). *A Review of Waqf Terminology*. Quran Karim Printing House.
- Basirat Manesh, H. (1978). *Collection of Articles on Contemporary History of Iran*. Foundation for the Oppressed and Disabled Veterans of the Islamic Revolution.
- Emam Jomehzadeh, J. (2000). Waqf in Improving Social, Economic, and Cultural Conditions. *Waqf Heritage Journal*(21922).
- Maki, H. (1985). *Twenty-Year History of Iran* (Vol. 8). Neshar Publications.
- Mohaqqiq Damad, S. M. (2002). *Rules of Jurisprudence* (Vol. 1). SAMT.
- Mousavi Khomeini, R. (1994). *Tahrir al-Wasilah* (Vol. 2). Islamic Publishing Institute.
- Nikmehr, A. (2012). *Waqf in Mashhad During the Pahlavi Era*
- Pirbabayi, M. T., & Iranshahi, R. (2021). A Historical Analysis of the Role of Waqf Culture and Its Function in the Structuring of Tabriz City Market with Emphasis on Giddens' Views. *Quarterly Journal of Cultural and Communication Studies*, 22(55), 223-248.
- Riahi Samani, N. (1999). *Waqf and the Evolution of Legislation on Endowments*. Navid Publications.
- Shahabi, A. A. (1964). *History of Waqf in Islam*. University of Tehran.
- Shoja Fath Abadi, M. (2003). *Examining the Role of Endowed Lands in the Physical Development of Mashhad City (Case Study: Abkouh Lands)*
- Yousefi, S. (2010). *Special Issue on the Role of Guilds in the Islamic Revolution: Mashhad Bazaar in the Islamic Revolution*. Ferdowsi University of Mashhad Publications.